«داعش»؛ پدیده‌ای میان قبیله و جامعه مدرن

مترجم: محمدعلی عسگری

گروه تروریستی «داعش» جنگی همه‌جانبه را با «دیگران» شروع کرده است. گفتمان این گروه، دسته‌بندی‌های خاص خود را دارد؛ به این ترتیب که گروهی را «رافضی = شیعه»، گروهی دیگر را «مشرکین» (ایزدی‌ها و علوی‌ها) و گروه سوم را «سکولارها» و «مرتدها» (یعنی اهل سنتی که با «داعش» همکاری نمی‌کنند) تقسیم‌بندی می‌کند. در این میان کسانی که به این واژگان توجه بیشتری کرده باشند درمی‌یابند که به‌تازگی در گفتمان این گروه دشمنان جدیدی پیدا شده‌اند که از آنها به‌عنوان «شوراهای بیداری» یاد می‌شود؛ یعنی همان شوراهایی که ژنرال آمریکایی، دیوید پترائوس به‌وسیله آنها توانست رهبران عشایر سنی در استان الانبار را با خود همراه کرده و قانع کند که با تشکیلات القاعده در عراق مقابله کنند. این شوراها از همان زمان به دشمن اصلی القاعده تبدیل شدند، تا جایی که این نام بر گروه‌های مخالفی هم که در سوریه با «داعش» می‌جنگند گذاشته شد. حتی به‌تازگی یک تشکیلات جهادی در لیبی از این نام برای شبه‌نظامیانی استفاده کرد که با آنها می‌جنگد.

این دشمنی البته به قدرت نظامی شوراهای بیداری ربطی ندارد. چون امروزه این شوراها در عراق بسیار ضعیف‌تر از سال ۲۰۰۸ هستند. بلکه دلیل این دشمنی بیشتر به ماهیت نبرد محوری تشکیلات «داعش» و اکثر گروه‌های جهادی سلفی برمی‌گردد. نزاعی که محور و هدف اصلی آن تشکیل یک هویت اسلامی برای اهل سنت است. هویتی که بتواند دوباره حالتی رمانتیک و با«صفا» را در بین طرفداران این گروه‌ها پدید آورد. هویتی که می‌کوشد به گفته خودش شائبه‌های «جاهلی» و «مدرنیسم» دنیای جدید را از اسلام پاک کند. بازگشت «مهاجران» به اسلام نخستین، نهایت آرزوی یک تفکر جهادی است و مقابله با رویکردهایی که با این تفکر، همسازی ندارد بخش مهمی از پروژه «بازتولید یک امت اسلامی» را تشکیل می‌دهد.

قبیله‌گرایی و ملی‌گرایی

تشکیلات «داعش»، نبردی را به راه انداخته که به ظاهر درکنار نبردهای مسلحانه، نبردی حاشیه‌ای به شمار می‌رود اما با توجه به مزایای بلندمدت، باید آن را یک نبرد اصلی به حساب آورد؛ یعنی نبرد برای بازتولید انسان مسلمان سنی که بتواند کاملا به اندیشه‌های جهادی خود افتخار کند. گفتمان «داعش» در این باره نقدی گزنده را نثار دو گرایش «قبایلی» و «ملی» می‌کند و مقابله با این دو گرایش را در جنگ خود به منظور پاک‌سازی هویت اهل سنت از شائبه‌های جاهلیت و مدرنیسم، یک اصل می‌داند. گرچه موضع سلفی‌گری جهادی درباره رویکردهای قبایلی، یک موضع‌گیری تاریخی است اما موضع این گروه به نسبت رویکردهای ملی‌گرایانه، ریشه در تحولات دوران معاصر و حکومت‌های ملی در مرحله پسااستعماری دارد و بیانگر این حقیقت است که هرچه این تشکل‌های جهادی سعی کنند نبردهای خود را با منطق و زبان دوران ابتدای تاریخ اسلام مطابقت دهند، درعین حال با دوران جدید در تضاد قرار گرفته و به همان اندازه که شکل مساله در ظاهر حالت یک «تراژدی خوفناک» را پیدا می‌کند، به همان اندازه «مضحک» است.

یک فرصت استثنایی و خاص برای اینگونه تشکل‌ها، به‌ویژه در عراق، آن است که هویت قبایلی و ملی- در اکثر کشورهای منطقه و به طور خاص درعراق در مرحله ازهم‌گسیختگی است. جامعه عراقی، دیگر یک جامعه قبایلی به شمار نمی‌رود، حتی اگر قبایل در برخی تشکل‌ها و احزاب یا در رفتارها و رویکردهای اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشند. از این گذشته باید بین «قبیله» و «قبیله‌ای» تفاوت قایل شد؛ زیرا اولی به معنای یک واحد اجتماعی و فرهنگی نسبتا ثابت است و دومی به معنای شیوه‌ای از سیر و سلوک اجتماعی و حتی اندیشیدن. هدف اصلی تشکیل دولت «مدرن» تفکیک نهادهای سنتی برای ورود به یک جامعه صنعتی و ملی مدرن بود. اما چنین روندی در اکثر کشورهای عربی ازجمله عراق دچار ناکامی و شکست‌های متعددی شد. تفکیک تدریجی نهادهای سنتی ازجمله قبیله، دست‌کم از دوران تنظیمات در امپراتوری عثمانی شروع شد. مدحت‌پاشا که یک فرماندار اصلاح‌طلب بود، به همین منظور نظام خاصی را برای مالکیت اراضی تدوین کرد. اکثر مهاجرت‌های داخلی را که عراق در دوران معاصر شاهد آن بود در چارچوب انتقال از محیطی سنتی و دورافتاده و بسته به محیط‌های شهری بود. با وقوع این روند انتقال، به‌تدریج فضاهای اجتماعی و فرهنگی جدیدی به وجود آمد هرچند دولت مدرن در جذب آنها ناکام ماند. به همین ترتیب عراق نیز در معرض تغییراتی قرار گرفت که به همراه آن سطوح سیاسی و ایدئولوژیک جامعه نیز تغییر می‌کرد. این نزاع همچنان به قوت خود باقی است.

رهایی جهادی

سلفی‌گری جهادی می‌توانند فضاهای مطلوبی را در این محیط‌های اجتماعی «مابعد قبایلی» و «ماقبل مدنی» پیدا کنند. در این محیط‌ها تقریبا دولت حضوری ندارد و از ارزش‌های غربی خبری نیست. میزان زاد و ولد در چنین محیط‌هایی (به دلیل فقدان آگاهی بهداشتی لازم) به‌شدت بالاست. ده‌هاهزارنفر از متولدان همین محیط‌هاست که جذب جنبش‌های ایدئولوژیک می‌شوند و آن را راهی برای «نجات» خود و اطرافیان خود می‌شمارند. این رویکردها به آنها احساس تعلق‌خاطری را می‌دهد که در فضاهای بی‌ثبات کنونی فاقد آن هستند. همچنین احساس توانمندی و قدرتی که جایگزین احساسات سرکوب‌شده و متراکم گذشته می‌شود و به آنها فرصتی برای انتقام می‌دهد.

در مطالعه روی برخی از ساکنان شهرهایی که اخیرا «داعش» آنها را به تصرف خود درآورده نیز علایمی را می‌یابیم که تقریبا می‌تواند شخصیت ستیزه‌جویانی را که به این گروه وابسته است، نشان دهد. این تقریبا قطعی است که اکثر آنها اهل روستاها و مناطق دورافتاده هستند یا از محیط‌هایی حاشیه‌ای آمده‌اند که دولت مرکزی بر آنجا نظارت و کنترل دقیقی ندارد. اینگونه محیط‌ها فاقد پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی است و مردمانش نسبت به شهرها حسی انتقام‌جویانه دارند. تنش بین مرکز و پیرامون چه در سطوح ملی یا محلی یک عنصر اساسی در تعیین رویکردهای سیاسی ساکنانش به‌ویژه نوع خشونت‌بار آن در عراق است. در مجموع، می‌توان گفت ایدئولوژی جهادی یک نیروی اقناع‌کننده برای ساکنان چنین محیط‌هایی دارد. این ایدئولوژی به صاحبانش نوعی «یقین» می‌بخشد و ذهن آدمی را ساده‌سازی کرده و بین «خود» و «دیگری» تقسیم می‌کند. انگیزه اکثر داوطلبانی که به این گروه‌ها نظیر «داعش» دارند، منشایی اجتماعی و اقتصادی داشته و از نوعی خلأ هویت رنج می‌برند.

صدسال است که مدرن‌سازی در عراق و اکثر کشورهای منطقه به راه افتاده است. اما هنوز این امر به یک پروژه توسعه‌ای سیاسی و اقتصادی شکوفا منجر نشده است. این مدرنیزاسیون فضایی آشفته را به وجود آورده است که خارج از کنترل همه بوده و تنها «داعش» نیست که از آن سود می‌برد. اینجاست که نیاز به یک بازنگری اساسی در دوگانگی‌های قدیم و جدید ماست. دقیقا باید در این تصور بازنگری کرد که جوامع می‌توانند به‌سادگی به «سنتی» و «مدرن» تقسیم شوند. ما باید به فضای وسیعی توجه کنیم که در بین این‌دو «ضد» قرار دارد و دریابیم حالت عدم ثبات است که به برخی اجازه می‌دهد تا افکاری مالیخولیایی و رمانتیک پیدا کرده و به گروه‌هایی نظیر «امت مهاجران جهادی» ملحق شوند؛ مساله‌ای که امروزه یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های موجود در کشورهای عربی به شمار می‌رود و حتی قبل از «داعش» نیز بوده و بعد از این نیز خواهد بود.

نبرد اساسی «داعش» در درون جامعه مسلمانان سنی بوده و هدفش این است که مردم را اقناع کند که فقط آنها «مسلمانان سنی» هستند، سپس این «تسنن» را به همان شیوه‌ای که می‌خواهد تفسیر می‌کند تا در ضمن آن بتواند خود را به‌عنوان یک مفسر «اصیل» و به «نمایندگی» از آنها معرفی کند. این تنها شیوه‌ای است که به این گروه اجازه می‌دهد تا از جانب خود یک دولت اسلامی بر پایه یک مشروعیت اجتماعی وسیع برپا کند. هیچ قدرتی با هر ابزار خشن و سرکوبگرانه‌ای با هرسطحی از وحشیگری نمی‌تواند بدون فراهم‌کردن یک سلطه ایدئولوژیک و فرهنگی بر سر کار باقی بماند؛ سلطه‌ای که به این گروه نوعی مشروعیت دهد. از این‌رو در جوهر نزاع با «داعش» و سلفی‌های جهادی، بحث مشروعیت است که باید مدنظر قرار گیرد. بدون فراهم‌کردن یک بدیل فرهنگی که بر نزدیکی رابطه دولت و ملت تاکید می‌کند، رویای جهان بدون جهادی‌ها و خلفای احتمالی‌شان، بعد از این تقریبا دور از دسترس خواهد بود.

منبع: السفیر

نگاهی به ۲ مرکز رسانه‌ای «داعش»

ترجمه: مریم امیری

به‌دنبال چند شکست نظامی «داعش»، مجله «دابق»، ارگان «داعش»، پیروانش را به اتحاد فراخواند تا تعداد روبه‌کاهش مبارزانش را جبران کند. «داعش» در دستگاه رسانه‌ای قدرتمند خودش جاه‌طلبی‌هایش را بیان می‌کند. این گروه تروریستی علاوه‌بر اینکه در میدان جنگ توانایی‌های بالایی از خود نشان داده است، در عرصه‌های دیگر نیز قابلیت‌هایی دارد. «داعش» صنعت رسانه‌ای باکیفیت و قوی‌ای دارد و از این ابزار به نحوی بهره‌برداری می‌کند که هیچ گروه تروریستی و بنیادگرای دیگری تاکنون نکرده است. مثلا پروپاگاندای «القاعده»، کاملا ناکارآمد و تاریخ‌گذشته بود. برخلاف «القاعده»، «داعش» از رسانه به‌عنوان بخشی از ذخیره جنگی‌اش استفاده می‌کند. از این‌رو گروه «داعش» استراتژی ارتباطی بسیار نیرومندی را در اختیار دارد که براساس شواهد، توسط دو «مرکز رسانه‌ای» عملیاتی می‌شود. یکی از آنها بنیاد رسانه‌ای «الفرقان» است که مسوول تولید و انتشار فیلم است و دیگری مرکز رسانه‌ای الحیات است که علاوه‌بر اینکه ویدیو و پیام صوتی منتشر می‌کند، مجله‌ها و تولیدات نوشتاری گروه را نیز تهیه می‌کند (مانند «گزارش دولت اسلامی»، «خبر دولت اسلامی» و «دابق») و این محصولات تنها با یک کلیک در اینترنت در اختیار همه قرار دارد. چندروز پیش، پنجمین شماره مجله «دابق» منتشر شد. این مجله شهرت خوبی به هم زده و جوانان غربی و عربی که برای جنگیدن زیر پرچم خلافت اشتیاق نشان می‌دهند، هدف می‌گیرد. طراحی جذاب و دقیق، دسترسی آسان، چندزبانه‌بودن و... از مزایای این مجله است. اما پیام آخرین شماره «دابق» در ترسیم وضعیت ذهنی رهبران «داعش» چیست؟ وضعیتی که «حساس» توصیف شده است و از زمان حمله هوایی نیروهای «ائتلاف» به این گروه تابه‌حال به‌صراحت اعلام نشده بود. در همان سطرهای اول مجله، می‌توان هراس عمیق رهبران «داعش» را از کم‌شدن جنگجویان این گروه، به‌وضوح دید. آنها می‌ترسند دیگر نتوانند نیروی بیشتری جذب کنند یا نیروهای فعلی را هم از دست بدهند. برخی مقالات مجله با عنوان «دعوت به اسلحه»، برای تقویت روحیه جنگجویان است. در این مقالات «داعش» ادعا می‌کند که برای پیروزی‌های نظامی بعدی خودش را آماده می‌کند؛ البته تنها روی کاغذ! در این مقالات اشاره‌های مختصری به شکست‌های «داعش» شده است. اما در واقعیت این شکست‌ها در ماه‌های اخیر بسیار بزرگ و استراتژیک بوده است. «داعش» کنترل شهر مهم بیجی و متعاقبا دسترسی به بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت عراق را از دست داده است. همچنین دو شهر مهم دیگر یعنی «جلولا» و «سعدیه» در استان دیاله از دست «داعش» درآمده و به دست پیشمرگه‌های عراق و واحدهای بسیج مردمی (PMUs) افتاده است. در آخرین شماره «دابق»، تاکید اصلی بر «وظیفه مجاهدان» برای داشتن صبر و استقامت و «ایستادگی» است. در این نسخه، یحیای پیامبر به‌عنوان مثال ذکر شده است؛ او کسی بود که برای انجام ماموریت الهی خود، بر ترس‌ها و تردیدهایش غلبه کرد. «داعش» از این تاریخ مقدس استفاده و شرایط خود و نیروهایش را با آن تفسیر می‌کند تا نقطه قابل ارجاعی پیدا کند که نیروهایش حول آن هویت‌یابی کنند. دابق برای اثبات قدرت مطلق «داعش» تبلیغات زیادی کرده و عکس‌های زیادی نیز بازنشر کرده است. «دابق» ادعا می‌کند علاوه‌بر بیش از ۳۰ روستای کردنشین در حلب که حالا زیر بیرق «خلافت» خودخوانده هستند، جنگ «عین‌العرب» نوید پیروزی است. «دابق» همچنین بسیار می‌کوشد تا این تصور را در میان نیروهای «داعش» ایجاد کند که در حال پیشروی هستند. تصویر «کعبه»، روی جلد این مجله با همین هدف منتشر شده است. کعبه تمثیل بسیار معناداری است. هدف غایی «داعش» آنگونه که ادعا می‌کند تصرف مکه و جمع‌کردن همه مسلمانان زیر بیرق خلافت است. همچنین «دابق»، مدام تبلیغ می‌کند که «داعش» حضوری قوی در بسیاری از کشورهای منطقه دارد؛ از عربستان‌سعودی تا یمن و مصر. طرح سکه‌های «داعش» نیز به‌نوبه خود جالب و درراستای همین تبلیغات است. روی سکه دینار طلای «داعش»، ادعاهای ارضی این گروه تکفیری به‌همراه نقشه‌ای از جهان حک شده است. در سکه دیگر، هفت شاخه گندم حک شده که نماد زکات است. درهم نقره منقوش به یک نیزه و سپر است که می‌خواهد وظیفه جنگیدن را به نیروهای «داعش» یادآوری کند. سکه مسی یک درخت نخل را نشان می‌دهد که سمبل صبر و وفاداری نیروهای «داعش» است. این سکه‌ها باوجود اینکه در مبادلات پولی کارآیی چندانی ندارند، کاملا نمادین هستند. «داعش» با ضرب سکه ادعا کرد که می‌خواهد با «دلار» و «سیستم مالی فاسد غرب» مبارزه کند اما در عمل تنها درصدد است خود را به‌عنوان دولتی دارای سرزمین و پرچم و حالا پول مخصوص بقبولاند.

منبع: الجدلیه

نگاه

شکنجه در آمریکا و مساله شفاف‌سازی

چندهفته پیش مقامات کره‌شمالی مصوبه‌ای را اعلام کردند که به موجب آن، شهروندان عادی حق استفاده از نام «کیم جونگ اون»، رهبر کنونی کره‌شمالی را ندارند و نمی‌توانند فرزندانشان را به این اسم نامگذاری کنند. این مصوبه حتی شهروندانی را که احتمالا چنین نامی داشته باشند، ملزم می‌کرد تا آن را تغییر دهند. گفته شد چنین قانونی به‌دلیل احترام‌گذاشتن به رهبر این کشور بوده و درواقع استمرار همان شیوه‌ای است که در دوران دو «کیم» دیگر نیز جریان داشته است.

اتفاقی از این دست قطعا در هیچ کشور دیگری رخ نمی‌دهد، اما کره‌شمالی که هرگز آمریکا از متهم کردنش به دیکتاتوری و نقض حقوق بشر دست برنمی‌دارد، اکنون به‌ویژه بعد از انتشار گزارش کنگره آمریکا درباره انواع شکنجه‌های سیا، یک فرصت طلایی به دست آورده است تا آمریکا را به «ننگ به بار آوردن» توصیف و محکوم کند.

دشمنان دیگر آمریکا نیز در سطح بین‌المللی از این فرصت استفاده کردند که در کنار کره‌شمالی باید از روسیه نام برد. آنها هم از فرصت پدید آمده استفاده کرده و آمریکا را متهم به معیارهای دوگانه و نفاق و دورویی کردند؛ زیرا از یک‌طرف منادی احترام به حقوق بشر بوده و دولت‌ها را به خیر و شر تقسیم می‌کند و از طرف دیگر باعنوان مبارزه با «تروریسم»- چنانکه در گزارش کنگره آمده است- زندانیان را اینچنین شکنجه کرده و خود به الگویی برای «طغیان علیه بشریت» تبدیل شده است.

این محکوم‌کردن‌ها و واکنش‌های بین‌المللی کار را به جایی رساند که برخی خواستار محاکمه مسوولان این شکنجه‌ها شدند. مسوولان کشوری که خود را در جهان یک ابرقدرت می‌شمارد؛ در صورتی که اشغالگری می‌کند، برای خودش پایگاه نظامی می‌سازد و چنانکه در عراق و افغانستان شاهد آن بودیم سربازانش را با اعطای مصونیت‌های قضایی از هرگونه بازخواستی- حتی اگر جرمی مرتکب شده باشند- محفوظ می‌دارد! اما واقعیت این است که گزارش سنا مطلب جدیدی را افشا نکرد، زیرا شکنجه‌هایی را که نیروهای آمریکایی یا دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور مرتکب شده بودند، به‌ویژه در دوران به اصطلاح مبارزه با «تروریسم» بر کسی پوشیده نبود. در دوران جورج بوش گزارش‌هایی منتشر شد و همگان در جریان آنها قرار گرفتند؛ شکنجه‌هایی که در زندان‌های ابوغریب عراق یا بگرام افغانستان جریان داشت را همه می‌دانند و در سال۲۰۰۱ نیز گزارش‌های مربوط به آنها منتشر شد یا درباره زندان گوانتانامو یا «زندان‌های پرنده» تاکنون گزارش‌های متنوعی منتشر شده است. زندان‌های پرنده، اصطلاحی است که درباره شکنجه‌کردن متهمان در داخل هواپیماها به‌کار برده می‌شود. آمریکا به کمک برخی دولت‌های دیگر، از جمله کشورهای عربی این شکنجه‌ها را اعمال می‌کرده است؛ چون قوانین آمریکا اجازه شکنجه در خاک این کشور را نمی‌دهد. در این‌باره چند دولت اعتراف و چند دولت دیگر هم آن را حیله‌گری آمریکا معرفی کردند و گفتند از آنها اطلاعی نداشته‌اند و برخی نیز در این میان سکوت پیشه کردند! خالد شیخ محمد که به مغز متفکر حملات ۱۱سپتامبر شهرت پیدا کرد، یکی از مشهورترین زندانیانی است که توانست بر همه تکنیک‌های شکنجه سیا غلبه پیدا کند. او را ۱۸۳بار در معرض غرق مصنوعی قرار دادند و در نهایت او توانست از همه اینها با موفقیت عبور کند.

گزارش کنگره، با وجود اینکه «باراک اوباما»، رییس‌جمهور آمریکا اعتراف به خطا کرد و متعهد شد که دیگر این روش‌ها تکرار نخواهد شد، یک رسوایی را برای آمریکا رقم زد. در آمریکا رسم نیست تحقیقات جنایی از این دست صورت گرفته و مقامات کشوری به دادگاه فرستاده شوند. با این حال گزارش جوانب مثبت دیگری هم داشت که یکی از مهم‌ترینش شفافیت در تعامل با این رسوایی است؛ زیرا تحقیقات در این‌باره سال‌ها طول کشیده بود.حیرت‌آورتر اینکه قوه‌قضاییه مصر در همان حال که مخالفان کودتا را به‌صورت گروهی محاکمه می‌کرد و برای ۶۸۳نفر در یک جلسه حکم اعدام صادر می‌کرد، برای عاملان آن کشتار تنها یک سری حکم‌های نمایشی بین سه تا ۱۰سال زندان صادر کرد و تازه اجرای این احکام نیز متوقف شد! نظام برآمده از کودتا، همه گزارش سازمان‌های حقوق بشری را که به این فاجعه اعتراض کرده بودند به دیوار کوبید. وقتی همه این حوادث مرور شود، گویی شکنجه‌هایی که در آمریکا اتفاق افتاده تنها لحظاتی گذرا در مقایسه با زنجیره‌ای از فجیع‌ترین رفتارها از قبیل نقض حقوق بشر، بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه‌های جسمی و روحی در کشورهای دیگر روایت می‌شود.

منبع: الرایه چاپ قطر

جدول ۲۱۵۳ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱ - مریض- اسب سیاوش در شاهنامه- مایع آرایشی خوشبو ۲ - تدبیر کردن - از سبزیجات رایج و پرخاصیت زمستانی ۳ - داد و فریاد - عامل حرکت - نزدیک‌شدن ۴ - بریدن شاخ و برگ زائد درخت - کشوری در خاورمیانه که بیابان ندارد - استحکام ۵ - خانه - کتاب ثبت رکوردهای جهانی - مساوی ۶ - بله آلمانی - سریع‌تر از راه رفتن - گل شهیدان ۷ - فلزی نقره‌ای رنگ و غیرسمی - دادگری - دستی ۸ - رهبر و پیشوا - اتومبیل مسافربر عمومی - باستانی و کهن ۹ - نشاط و شادمانی - کارآگاه معروف داستانی - پیشخدمت رستوران ۱۰ - فیلمی ساخته داریوش مهرجویی - مامور تشریفات عصر صفوی - حرف دهن‌کجی ۱۱ - چوب خوشبو - پول‌پرست - سربازی ۱۲ - پی‌بندی ساختمان - نقصان - برنج پخته نرم ۱۳ - ساییدن - شهر باستانی بوشهر - الاغ ۱۴ - فلزی نرم و سمی - پایتخت برزیل ۱۵ - هنر فرنگی - از مذاهب چهارگانه اهل سنت - زن ساکن صومعه.

عمودی:

۱ - رمانی از احمد دهقان، داستان‌نویس معاصر کشورمان - سرزمین بلقیس ۲ - سرگرد قدیم - سیب آذری - سخت و مشکل ۳ - آیین‌های سنتی - دریاکنار - کمیابی ۴ - شهری در آذربایجان‌شرقی - همنشین - منسوب به یمن ۵ - یک ردیف از دانه‌های بافته‌شده - ضرورت - محل سکونت موقت در کنار دریا - مجموع دانه‌های پنبه و تارهای آن ۶ - ورزشگاه مشهور انگلستان - توانایی خواندن و نوشتن- آسمان ۷ - گریه و زاری - زد و خورد - یک نفر ۸ - بی‌نظیر - فقر و بی‌چیزی - چهارگانه ۹ - صدای گریه بچه- الهه عشق در اساطیر یونان - لباس محلی زنان هند ۱۰ - آتش - وقت خود را به بطالت گذراندن - پنهان شدن ۱۱ - مزه دهان‌جمع‌کن - کاریز - ژرفنا - طلا ۱۲ - چشم الکتریکی - دانشمند - شرم ۱۳ - سیمرغ - نوعی اجاق برقی - بخش پایانی مقاله ۱۴ - نرده چوبی یا فلزی - جریان مستقیم برق - توبه‌کننده ۱۵ - ماه میلاد امام علی (ع) - آنکه دیگری را تا پایان کار همراهی و یاری نمی‌کند.

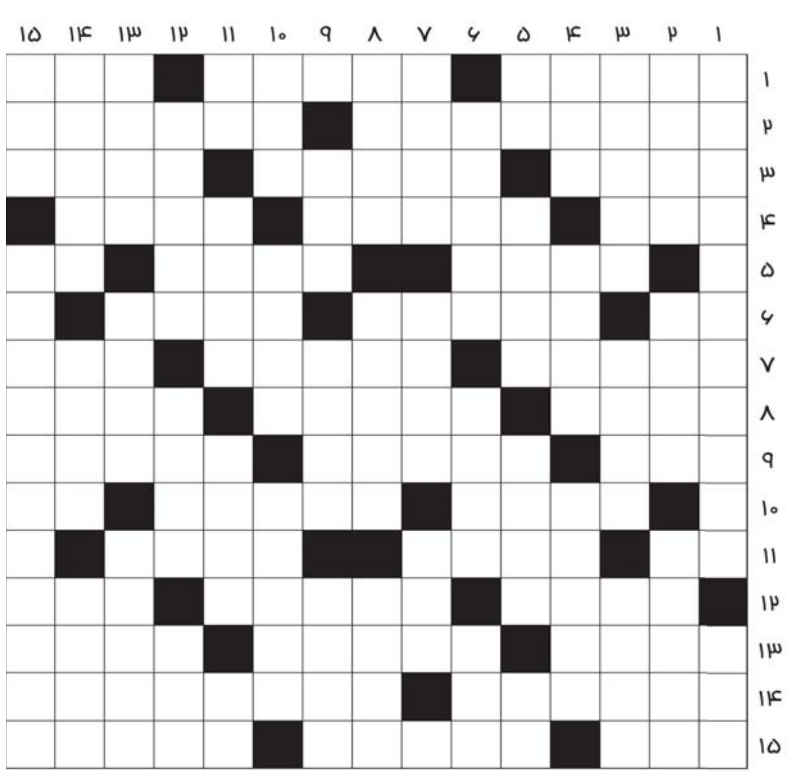

حل سودوکو سخت

۶	۸	۷	۱	۹	۳	۵	۲	۴
۹	۲	۵	۷	۴	۸	۳	۶	۱
۳	۱	۴	۶	۵	۲	۹	۷	۸
۲	۴	۱	۳	۶	۵	۷	۸	۹
۷	۶	۳	۹	۸	۴	۱	۵	۲
۵	۹	۸	۲	۱	۷	۴	۳	۶
۸	۵	۲	۴	۷	۱	۶	۹	۳
۱	۷	۹	۸	۳	۶	۲	۴	۵
۴	۳	۶	۵	۲	۹	۸	۱	۷

حل سودوکو ۱۱۴۹

۶	۹	۴	۱	۳	۸	۲	۷	۵
۲	۸	۵	۷	۴	۹	۱	۳	۶
۳	۷	۱	۲	۵	۶	۴	۸	۹
۴	۱	۳	۵	۶	۷	۹	۲	۸
۹	۲	۷	۴	۸	۱	۶	۵	۳
۵	۶	۸	۳	۹	۲	۷	۱	۴
۷	۳	۹	۶	۱	۵	۸	۴	۲
۱	۴	۶	۸	۲	۳	۵	۹	۷
۸	۵	۲	۹	۷	۴	۳	۶	۱

جدول ۲۱۵۲

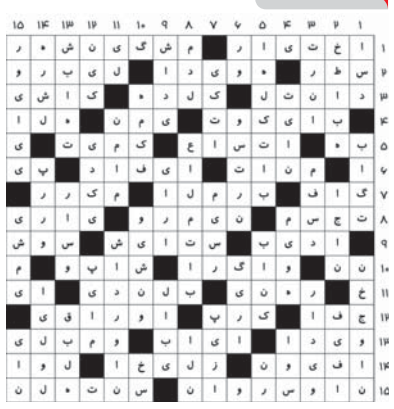

سودوکو سخت ۱۱۵۰

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۴			۲		۱		۵	
			۹	۶	۸			
۳				۴		۱		
۲	۷		۳			۸		
۱		۴	۶					۲
۸			۷	۹	۲			
۵					۳	۹		
	۸		۴		۶			
		۳					۷	

سودوکو ۱۱۵۰

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۷		۳		۱			۵
	۳	۶			۸		۴	
		۸		۲	۶		۱	
	۲	۳	۸		۹	۴	۵	
۸	۱	۵				۹	۲	
			۲	۱	۵			
۹	۶		۱		۳		۷	
	۸	۷	۵		۴			
۵			۶	۷		۳	۹	